



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

اهمیت ترویج آموزش مسئله‌محور برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

راحله پنجه کوبی^۱، علیرضا پنجه کوبی^۲

۱- کارشناس ارشدی مهندسی صنایع دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان

۲- کارشناسی مترجمی زبان دانشگاه ولایت ایرانشهر

ra.panjekoobi@gmail.com

چکیده

آموزش یکی از ارکان اساسی توسعه جوامع و بهبود کیفیت زندگی افراد است. در عصر حاضر، روش‌های سنتی تدریس که بر انتقال دانش به صورت مستقیم تمرکز دارند، به تدریج جای خود را به روش‌های نوین و فعال داده‌اند. یکی از این روش‌های نوین، آموزش مسئله‌محور است که تاکید بر یادگیری از طریق حل مسائل و چالش‌های واقعی دارد. این روش نه تنها به ارتقای دانش علمی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه مهارت‌های اجتماعی و تعاملی آن‌ها را نیز تقویت می‌کند. در دنیای امروز، مهارت‌های اجتماعی نظیر همکاری، ارتباط مؤثر، حل تعارض و تفکر انتقادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این مهارت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا بتوانند در محیط‌های اجتماعی مختلف موفق عمل کنند و با چالش‌های پیش‌رو به خوبی مقابله کنند. آموزش مسئله‌محور با ایجاد فضایی برای تعامل و همکاری میان دانش‌آموزان، زمینه‌ساز تقویت این مهارت‌ها می‌شود. این مقاله به بررسی اهمیت و نقش آموزش مسئله‌محور در ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد. روش‌های آموزش مسئله‌محور باعث می‌شوند تا دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری فعالانه مشارکت کنند و از طریق حل مسائل واقعی، مهارت‌های اجتماعی خود را بهبود بخشند. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که این روش تدریس می‌تواند تأثیر مثبتی بر همکاری، ارتباط مؤثر و توانایی حل تعارض دانش‌آموزان داشته باشد. در این مقاله، نتایج تحقیقات پیشین مورد بررسی قرار گرفته و مزایا و چالش‌های اجرای این روش تدریس در محیط‌های آموزشی تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که ترویج آموزش مسئله‌محور می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی و در نتیجه، بهبود کلی فرآیند یادگیری و توسعه شخصیت دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: روش آموزش مسئله‌محور، مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموزان، مدراس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

آموزش و پرورش در دنیای امروز، فراتر از انتقال دانش و مهارت‌های صرف، رسالت مهم پرورش انسان‌هایی متفکر، خلاق، مسئول و متعهد به جامعه را بر عهده دارد. در این میان، مدارس به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی، نقشی کلیدی در تربیت نسل آینده ایفا می‌کنند. یکی از رویکردهای نوین آموزشی که می‌تواند در جهت تحقق این رسالت مهم یاری‌گر باشد، آموزش مسئله‌محور است. آموزش مسئله‌محور، رویکردی فعال و دانش‌آموزمحور است که در آن دانش‌آموزان با مسائل و چالش‌های واقعی روبرو می‌شوند و با استفاده از دانش، مهارت‌ها و خلاقیت خود، به حل آنها می‌پردازند. در دهه‌های اخیر، مفهوم آموزش مسئله‌محور به عنوان یک رویکرد پویا در آموزش و پرورش گسترش یافته است. این رویکرد به منظور تربیت دانش‌آموزان به عنوان فردی خودآگاه و کارآمد تر، از راهکارهایی استفاده می‌کند که بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری تأکید دارد. در این راستا، آموزش مسئله‌محور به عنوان یکی از ابزارهای اساسی در زمینه آموزش ابتدایی به چشم می‌آید. با گسترش روش‌های سنتی تدریس و انتقال اطلاعات، نیاز به توجه به نیازها و توانمندی‌های فردی دانش‌آموزان اغفال گشته و این امر منجر به کاهش جذابیت و پویایی در فرآیند یادگیری شده است. مسئله اصلی در اینجا به تدریس مسئله‌محور مرتبط می‌شود؛ چرا که این رویکرد نه تنها باعث فراهم‌آوری چالش‌ها و مسائل واقعی برای دانش‌آموزان می‌شود بلکه ایشان را در فرآیند یادگیری فعال می‌کند. آموزش مسئله‌محور در دوره ابتدایی، علاوه بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله، به تربیت افرادی با توانمندی‌های اجتماعی بالا نیز منجر می‌شود. این رویکرد، فرصت مناسبی را برای تعامل اجتماعی دانش‌آموزان فراهم می‌کند و در نهایت، به بهبود روابط اجتماعی و رشد فردی آنان کمک می‌کند (غلامی، ۱۴۰۲).

تعلیم و تربیت دو فعالیت همپای هستند که در تمام عصور و جامعه‌ها به صورت‌های مختلف صورت گرفته‌اند. آموزش مسئله‌محور یا PBL^۱ یک روش آموزشی دانش‌آموز محور است که در آن دانش‌آموزان از طریق تجربه‌ی بدست آمده از همکاری با یکدیگر در حل مسائل واقعی به فراگیری علم می‌پردازند. این روش با روش آموزش سنتی که در آن آموزگار مفاهیم را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد، کاملاً متفاوت است (پورتقی کوهینه و همکاران، ۱۴۰۰). در این روش، دانش‌آموزان باید با استفاده از منابع علمی و تفکر انتقادی، راه‌حل‌های مناسب برای مسائل پیچیده و بد ساختار پیدا کنند. این روش به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا علاوه بر کسب دانش در رشته خود، مهارت‌های ارتباطی، کار گروهی، خودآگاهی و خودآموزی را نیز تقویت کنند. در آموزش مسئله‌محور مسائل برای حل مسئله به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. در رویکرد کلاسیک آموزگار عامل اصلی در برنامه درسی است اما در رویکرد نوین دانش‌آموزان در راس توجه قرار دارند. چالش‌ها زمانی تشدید می‌شوند که آموزگاران نتوانند بحث‌های گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و دانش‌آموزان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. به طور مشابه، دانش‌آموزان وقتی نمی‌توانند به خوبی در گروه کار کنند، به طور فعال تصمیم‌گیری یا ایده‌های مرتبط با مشکل را تولید کنند، شکست می‌خورند. دانش‌آموزان همچنین ممکن است از نظر تحلیل انتقادی که در برنامه درسی مسئله محور که خود نیز امری حیاتی است شکست بخورند (سمیع زاده مشهدی، ۱۴۰۲).

آموزش مسئله‌محور یک روش آموزشی دانش‌آموزمحور است که هدف آن توسعه مهارت‌های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت‌های کار گروهی است. موقعیت‌های نامرتب، نامرتب و ساختار نامناسب در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد که در آن‌ها نقش مالک موقعیت را بر عهده می‌گیرند. دانش‌آموزان مشکل را مشاهده می‌کنند و در مورد راه حل یاد می‌گیرند، در مقایسه با یادگیری مبتنی بر سخنرانی کلاسیک، آموزش مسئله‌محور دارای مزایای زیادی است. برخی از مزایای این است که یادگیری را برای دنیای واقعی مفید می‌کند، تشویق می‌کند و انگیزه می‌دهد که چگونه یاد بگیرند، دانش‌آموزان را درگیر یادگیری مشابه دنیای واقعی می‌کند (Fogarty and pete, 2007). آموزش مسئله‌محور نه تنها بر حل مسئله تمرکز دارد، بلکه مسئولیت توسعه سایر مهارت‌ها و ویژگی‌ها را نیز بر عهده دارد. دانش‌آموزان در کلاس

¹ Problem Based Learning



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

درس که رویکرد حاکم بر آن مسئله محوری است مهارت های اجتماعی خود را بهبود می بخشند زیرا فرصت های بیشتری برای تمرین استفاده از زبان برای برقراری ارتباط معتبر دارند. اگر دانش آموزان و آموزگاران در درک فعال یا معنادار مشکل داشته باشند، اجرای برنامه درسی مسئله محور در یک محیط کلاس درس کلاسیک دشوار است. برنامه درسی مسئله محور از دانش آموزان می خواهد که در راهبردهای یادگیری فعال به عنوان یک گرایش یادگیری خودراهبر شرکت کنند. این نشان دهنده یک تغییر پارادایم از آموزش به روش کلاسیک و یادگیری فلسفه است. در این مقاله به بررسی سازوکار آموزش مسئله محور در نظام آموزش و پرورش پرداخته شده است (سمیع زاده مشهدی، ۱۴۰۲)

اهمیت و ضرورت پژوهش

توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان یک عنصر مهم از برنامه درسی دانش آموز محور است. پس از راه اندازی آموزش اجباری دوازده ساله، شناخت تنوع یادگیری در کلاس های امروزی ضروری است. تمایز به "مفهوم برآورده کردن نیازهای فردی هر دانش آموز، سفارشی کردن آموزش برای کمک به دانش آموزان برای یادگیری" اشاره دارد (Fogarty and pete, 2007). رویکرد نوین آموزشی، دانش آموز محور دارای حوزه گسترده ای است. که در تمام این حوزه ها دانش آموز در مرکز توجه قرار دارد و مبتنی بر نیاز های دانش آموزان است. آموزش مسئله محور یک روش آموزشی دانش آموز محور است که هدف آن توسعه مهارت های حل مسئله از طریق یادگیری خودراهبر به عنوان یک عادت در طول زندگی و مهارت های کار گروهی است. اجرای این نوع از رویکرد و برنامه درسی زمانی محقق خواهد شد که هم دانش آموزان و هم آموزگاران باید از این نوع رویکرد اطلاع کافی داشته باشند. در کلاس های درس کلاسیک یا آموزگار محور اجرای روش تدریس مبتنی بر این روش دشوار است زیرا آموزگاران و دانش آموزان از آن اطلاع کافی ندارند. در حالی که اگر از این نوع رویکرد استفاده کنند می توانند حتی به بسیاری از مسائل اجتماعی نیز پاسخ بدهند. مسائل زندگی واقعی طبیعتاً فرا رشته ای هستند، بنابراین رویکرد مسئله محور معمولاً برنامه درسی را به روش های طبیعی ادغام می کنند. یک سناریوی خوب برای حل مسئله باید از تحلیل های زمینه ای و دانش آموز کافی سرچشمه بگیرد. در این رویکرد، دانش آموزان تشویق می شوند تا دانش کسب شده و تفکر مرتبه بالاتر خود را برای حل مشکلات اجتماعی واقعی به کار گیرند علاوه بر این امر از جمله یادگیری هایی که در زمره آموزش مسئله محور و یادگیری دانش آموز محور قرار دارد، یادگیری متمایز است. آموزگاران نقش متفاوتی در روش آموزش مسئله محور نسبت به تدریس کلاسیک دارند. آموزگاران با استفاده از مجموعه ای از احتمالات، می توانند از نقشه برداری برنامه درسی برای تجسم هر موضوع و ترسیم ارتباطات درون یک مسئله استفاده کنند. تنوع در کلاس مستلزم انواع مختلفی از نیازهای یادگیری است. راه های مختلفی برای پاسخگویی به انواع مختلف دانش آموزان با نیازهای یادگیری ویژه از نظر رشد ذهنی و جسمی وجود دارد (Fogarty and pete, 2007).

این مقاله به بررسی نقش آموزش مسئله محور در رشد اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی می پردازد. با تأکید بر اهمیت این رویکرد در تربیت افرادی با مهارت های تفکری و اجتماعی فراوان، مقاله نتایج کاربردی این رویکرد را در محیط های آموزشی ابتدایی مورد بررسی قرار داده و به سوالاتی پاسخ می دهد که به بهبود فرآیند یادگیری و رشد اجتماعی دانش آموزان می انجامد. آموزش و پرورش همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه جوامع، نقشی اساسی در تربیت نسلی توانمند و متعهد ایفا می کند. در دنیای امروز، صرفاً انتقال دانش به دانش آموزان کافی نیست و باید مهارت های لازم برای زندگی در جامعه نیز به آنها آموزش داده شود. مهارت های اجتماعی از جمله این مهارت ها هستند که به دانش آموزان کمک می کنند تا با دیگران تعامل برقرار کنند، به طور موثر ارتباط برقرار کنند، و در حل مسائل و چالش های زندگی مشارکت فعال داشته باشند. روش های تدریس سنتی، غالباً بر انتقال یک طرفه دانش از معلم به دانش آموز متمرکز هستند و فرصت کافی برای تمرین و پرورش مهارت های اجتماعی را فراهم نمی کنند. در مقابل، روش آموزش مسئله محور، دانش آموزان را در مرکز فرآیند یادگیری قرار می دهد و آنها را تشویق می کند تا به طور فعال در حل مسائل و چالش های واقعی مشارکت کنند. پرورش مهارت های



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اجتماعی در دانش‌آموزان از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. این مهارت‌ها به آنها کمک می‌کنند تا با دیگران تعامل برقرار کنند و روابط سالم و پایدار ایجاد کنند. به طور موثر ارتباط برقرار کنند و نظرات و ایده‌های خود را بیان کنند

روش آموزش مسئله‌محور

روش آموزش مسئله‌محور فرآیندی است که برای شناسایی مشکلات با یک سناریو برای افزایش دانش و درک استفاده می‌شود برخی از اصول در زیر ذکر شده است.

(الف) یادگیری مستقل و خودراهبر

(ب) یادگیری در یک گروه اتفاق می‌افتد و آموزگار یک تسهیل کننده است.

(پ) همه گروه‌ها باید به طور مساوی شرکت کنند.

(ت) دانش‌آموزان در مورد انگیزه، کار تیمی، حل مسئله و مشارکت با کار یاد می‌گیرند.

(ث) از مطالبی مانند داده‌ها، عکس‌ها، مقالات می‌توان برای حل مشکل استفاده کرد. (Fogarty and pete, 2007).

مشکلات همیشه تفکر و یادگیری را بسیج و تحریک کرده‌اند، وقتی مشکلات به عنوان مرتبط و مهم تجربه می‌شوند به فعالیت ما انرژی می‌بخشند و توجه ما را متمرکز می‌کنند، مردم انگیزه می‌یابند که انرژی خود را به سمت حل آنها هدایت کنند. اگرچه یادگیری مبتنی بر مشکل از ابتدای زمان، در آموزش عالی ظاهر شده است. اکنون در قرن بیست و یکم آموزگاران و سایر متخصصان در سراسر جهان از روش آموزش مسئله‌محور در رشته‌های مختلف استفاده می‌کنند. بسیاری از آموزگاران حتی در آموزش عالی اکنون در طراحی و استفاده از مسائل بسیار با تجربه هستند و با روش‌های روش آموزش مسئله‌محور که بخشی از آموزش عالی بوده‌اند، راحت هستند. روش آموزش مسئله‌محور را می‌توان در هر موقعیت یادگیری متحد کرد. مهارت‌های تفکر انتقادی، توانایی‌های حل مسئله و مهارت‌های ارتباطی نتیجه روش آموزش مسئله‌محور هستند. می‌تواند توانایی مهارت‌های مشارکتی، یافتن و ارزیابی برای یادگیری مادام‌العمر را افزایش دهد.

روش آموزش مسئله‌محور یک مدل درسی است که حول مسائل زندگی واقعی بدون ساختار و باز طراحی شده است (Lesch, 2007). به عنوان یک فرآیند تحقیق، سؤالات، کنجکاوی‌ها، تردیدها و عدم قطعیت‌های مربوط به پدیده‌های پیچیده زندگی واقعی را حل میکند (Barell, 1998). روش آموزش مسئله‌محور از مشکلات به عنوان نقطه شروع برای کسب دانش استفاده می‌کند. مشکل دانش‌آموزان را به تحقیق سوق می‌دهد. آموزگاران یادگیری دانش‌آموز را از طریق پرسش، تحقیق و ایفای نقش تسهیل می‌کنند و در نتیجه تفکر دانش‌آموزان را به چالش می‌کشند و سطوح عمیق‌تر درک را تسهیل می‌کنند. دانش‌آموزان حل‌کننده و دانش‌آموز فعال مشکل هستند و آموزگاران آموزگار هستند. دانش‌آموزان یک مشکل واقعی را شناسایی می‌کنند و از طریق تحقیق فعال به راه حل قابل قبولی می‌رسند. آنها سوال را تفسیر می‌کنند، اطلاعات اضافی را جمع‌آوری می‌کنند، راه‌های ممکن را ایجاد میکنند، گزینه‌ها را برای یافتن بهترین‌ها ارزیابی می‌کنند و سپس آن راه حل‌ها را ارائه می‌دهند.

نقش آموزش مسئله‌محور در رشد اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی

آموزش مسئله‌محور، روشی فعال و مشارکتی است که دانش‌آموزان را در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌دهد و به آنها فرصت می‌دهد تا با چالش‌های واقعی روبه‌رو شده، برای حل آنها به صورت گروهی تلاش کنند و در نهایت، به راه‌حل‌های خلاقانه دست پیدا کنند. این روش، مزایای متعددی برای رشد اجتماعی دانش‌آموزان به ارمغان می‌آورد، از جمله:

۱. افزایش اعتماد به نفس و خودباوری:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش‌آموزان با حل مسائل واقعی، به توانایی‌های خود ایمان پیدا می‌کنند و اعتماد به نفسشان افزایش می‌یابد. در این روش، دانش‌آموزان به طور فعال در فرایند یادگیری مشارکت می‌کنند و نقش مهمی در حل مسائل دارند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا احساس ارزشمندی و کارآمدی کنند و به توانایی‌های خود برای حل مشکلات و چالش‌های پیش رو ایمان پیدا کنند (باباخانی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲. تقویت مهارت‌های حل مسئله:

دانش‌آموزان در چالش حل مسئله، مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری را یاد می‌گیرند. حل مسئله، دانش‌آموزان را با چالش‌های واقعی روبه‌رو می‌کند و آن‌ها را به تفکر عمیق، جستجوی اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه تشویق می‌کند. این فرایند به ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان کمک می‌کند.

۳. پرورش مهارت‌های اجتماعی:

دانش‌آموزان در تعامل با یکدیگر، مهارت‌های ارتباطی، همدلی، همکاری و کار گروهی را ارتقا می‌دهند. حل مسئله به صورت گروهی، دانش‌آموزان را ملزم به همکاری با یکدیگر، تبادل نظر، همدلی و تقسیم وظایف می‌کند. این تعاملات، به ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، مانند برقراری ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال، همدلی، حل تعارض و کار گروهی کمک می‌کند.

۴. افزایش انگیزه و تعلق خاطر به مدرسه:

دانش‌آموزان در فرایند حل مسئله، فعال و پویا هستند و از یادگیری لذت می‌برند. حل مسئله، فرایند یادگیری را جذاب و پویا می‌کند و به دانش‌آموزان انگیزه می‌دهد تا در فرایند یادگیری مشارکت فعال داشته باشند. این امر، به افزایش انگیزه و تعلق خاطر دانش‌آموزان به مدرسه کمک می‌کند (غلامی، ۱۴۰۲).

در اینجا چند نمونه از فعالیت‌های مبتنی بر مسئله که می‌توان در دوره ابتدایی برای ارتقای رشد اجتماعی دانش‌آموزان از آن‌ها استفاده کرد، آورده شده است:

- پروژه‌های گروهی: دانش‌آموزان می‌توانند در گروه‌های کوچک با یکدیگر کار کنند تا یک پروژه را به پایان برسانند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های همکاری، حل تعارض و کار گروهی را یاد بگیرند.
- مطالعات موردی: دانش‌آموزان می‌توانند یک موقعیت واقعی را بررسی کنند و راه‌حلی برای مشکلی که در آن موقعیت وجود دارد، ارائه دهند. این کار به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های تفکر انتقادی، حل مسئله و همدلی را یاد بگیرند.
- بازی‌های حل مسئله: دانش‌آموزان می‌توانند با بازی‌های حل مسئله، مهارت‌های حل مسئله و کار گروهی خود را به طور سرگرم‌کننده‌ای ارتقا دهند.

استفاده از آموزش مسئله‌محور در دوره ابتدایی، فواید متعددی برای رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارد. این روش، به ارتقای اعتماد به نفس، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های اجتماعی، انگیزه و تعلق خاطر دانش‌آموزان به مدرسه کمک می‌کند.

یادگیری کلاسیک در مقابل آموزش مسئله‌محور

در رویکردهای کلاسیک یادگیری مبتنی بر روش کلاسیک، ابتدا داده‌ها به روش کلاسیک یادگیری ارائه می‌شود، اما در روش آموزش مسئله‌محور مسائل برای حل مسئله به دانش‌آموزان ارائه می‌شود. چالش‌ها زمانی تشدید می‌شوند که آموزگاران نتوانند بحث‌های گروهی را تسهیل کنند، مسائل معتبری بسازند و دانش‌آموزان را در فرآیند حل مسئله راهنمایی کنند. به طور مشابه، دانش‌آموزان وقتی نمی‌توانند به خوبی در گروه کار کنند، به طور فعال تصمیم‌گیری یا ایده‌های مرتبط با مشکل را تولید کنند، شکست می‌خورند. دانش‌آموزان همچنین ممکن است از نظر تحلیل انتقادی که در روش آموزش مسئله‌محور حیاتی است



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شکست بخورند. در واقع در رویکرد کلاسیک آموزگار خود نیز مسئله را پیدا میکرد و سپس به آن پاسخ میداد. اما در رویکرد مسئله محور که خود جزئی از برنامه درسی دانش آموز محور است، دانش آموز خود نیز اقدام به پیدا کردن و کشف مسئله می کند و سپس یا به کمک آموزگار (اکتشافی هدایت شده، یعنی آموزگار سوال را می دهد و راهبرد و اصول را نمی گوید و یا آموزگار راهبرد را می گوید سوال را نمی گوید) و یا بدون راهنمایی آموزگار (اکتشافی هدایت نشده) اقدام به کشف مسئله و سپس مسئله گشایی می کند (پورتقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).

نقش آموزگار در آموزش مسئله محور

آموزگاران نقش متفاوتی روش آموزش مسئله محور در نسبت به تدریس کلاسیک دارند. اول، آموزگار مسئله را توسعه می دهد و آن را در برنامه درسی قرار می دهد. سپس فعالیت ها و منابع یادگیری متنوعی را برای کمک به دانش آموزان فراهم می کند تا اطلاعات جدید را به دانش قبلی مرتبط کنند. متعاقباً، آموزگار دانش آموزان را از طریق مشکل راهنمایی و راهنمایی می کند. کوچینگ شامل دادن نکات یا سرنخها، ارائه بازخورد، هدایت مجدد تلاش های دانش آموز و کمک به دانش آموزان برای انتخاب و به کارگیری استراتژی های مختلف است. علاوه بر این، در روش آموزش مسئله محور، آموزگار در اختیار و مسئولیت سهیم است با دانش آموزان، تبدیل شدن به همکار دانش آموز و محقق. در مرحله آخر، زمانی که دانش آموزان در حال حل مشکل هستند، آموزگار عملکرد آنها را ارزیابی می کند. از این رو، آموزگاری که مایل به استفاده از رویکرد روش آموزش مسئله محور هستند، نقش طراح برنامه درسی، تسهیل کننده، راهنما و آموزگار، و ارزیاب را بر عهده می گیرند (Delisle, 1997). همچنین آموزگار مسئول طراحی و شناسایی مشکلاتی است که باید پیچیده و مبهم باشد تا دانش آموزان را تشویق به پرس و جو در مورد آن کند. آنها می توانند تحقیق را با راه حل ها و نتیجه گیری معقول انجام دهند. آموزگار باید مسئله را متناسب با درس، جدید و ناآشنا و مرتبط برای استفاده در محیط های کاری طراحی کند. آموزگار آموزگار، تسهیل کننده است و آموزگار با دانش آموزان می تواند به صورت گروهی کار کند. آموزگار می تواند گروه های مختلفی را با مهارت های متفاوت برای دستیابی به تغییرات و نتایج بیشتر بسازد.

نقش دانش آموزان در روش آموزش مسئله محور

در طول روش آموزش مسئله محور دانش آموزان نقش های مختلفی را برای حل مسئله ارائه شده بر عهده می گیرند. آنها نقش یادداشت بر یا عضو تیم را تغییر می دهند. دانش آموزان مشکل را بررسی می کنند و برای فعالیت های خود برنامه ریزی می کنند تا مشکل را مدیریت کنند. از طریق این اکتشاف، دانش آموزان می توانند دانش و مهارت های خود را نیز بررسی کنند که چگونه زمان را مدیریت کنند.

روش آموزش مسئله محور یک مدل آموزشی مبتنی بر پرسش است که در آن دانش آموزان با مسائل دنیای واقعی درگیر هستند. در حالی که خود دانش آموزان در حال یادگیری شکاف های دانش خود را شناسایی می کنند و می توانند تحقیقاتی را برای آینده طراحی کنند. بر اساس این روش های جدید، دانش آموزان می توانند مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند. از طریق کار گروهی دانش آموزان می توانند حل مسئله، مهارت های فراشناختی و انگیزه را تقویت کنند.

۳. مبانی نظری روش آموزش مسئله محور

برخی از نکات کلیدی زیر برای دانش آموزان روش آموزش مسئله محور وجود دارد:

۱. دانش آموزان باید دانش، مفروضات و تجربیات پیش زمینه ای داشته باشند.
۲. یادگیری در زمینه مشارکتی در زمینه اجتماعی اتفاق می افتد.
۳. اطلاعات ناآشنا را می توان با استراتژی های اعمال شده، رسیدگی به مشکلات با راه حل های خوب طراحی شده مقابله کرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(۴). مسائل دانش آموز محور باید طراحی شوند.

(۵). یادگیری خودراهبری می تواند اتفاق بیفتد.

(۶). حل مسئله می تواند انگیزه یادگیری باشد.

(۷). در طول فرایند یادگیری، بازتاب انتقادی اتفاق می افتد

نکته مهم این رویکرد این است که دانش آموزان مسئول یادگیری خود هستند، نحوه استفاده از دانش قبلی و نحوه کسب دانش را یاد می گیرند. رویکرد روش آموزش مسئله محور تمرکز بیشتری بر ارزیابی خود و همتایان، ارتباطات و مهارت های بین فردی دارد. مشاهده شده است که روش آموزش مسئله محور انگیزه یادگیری عمیق را ایجاد می کند، دانش آموزان برای درک و جستجوی معنا یاد می گیرند، در حالی که رویکرد آموزگار وارد شده برای کمک به یادگیری سطحی با درک کمتر می شود. برخی از نظریه پردازان معتقدند که روش آموزش مسئله محور می تواند شیوه های جدید تفکر و یادگیری را بهبود بخشد. این باعث افزایش رشد شخصی، فعال تر، افزایش اعتماد به نفس و مسئولیت پذیری آنها می شود. در گروه های کوچک دانش آموزان می توانند مشکل خود را به اشتراک بگذارند، بتوانند ایده های خود را به شیوه ای بهتر بیان کنند، دانش مفهومی خود را بهبود بخشند و موقعیت های مشکل را مدیریت کنند.

مدل تعلیم و تربیت روش آموزش مسئله محور

هنگامی که فرآیند روش آموزش مسئله محور در کلاس های درس اجرا می شود، شامل رویدادهای زیر می شود (Torp and Sage 1998):

(الف) با مشکل روبرو شوید: دانش آموزان را برای حل مشکل ترغیب کنید.

(ب) شناسایی آنچه می دانیم، آنچه باید بدانیم، و ایده هایمان: دانش آموزان را در ایجاد آگاهی از آنچه می دانند (دانش قبلی آنها از موقعیت)، آنچه که باید بدانند، و ایده هایشان در مورد موقعیت، حمایت کنید.

(ت) بیان مسئله را تعریف کنید: دانش آموزان را در بیان مسئله یا مشکل اصلی در شرایطی که با آن مواجه شده اند، حمایت کنید.

(ث). جمع آوری و به اشتراک گذاری اطلاعات.

(ج) ایجاد راه حل های ممکن: به دانش آموزان کمک کنید تا طیف کاملی از گزینه های ممکن را برای پرداختن به مشکلی که تعریف کرده اند بیان کنند.

(چ) تعیین بهترین راه حل: از دانش آموزان بخواهید که فواید و پیامدهای هر راه حل را ارزیابی کنند.

(ح) راه حل را ارائه دهید.

(خ) خلاصه: از دانش آموزان بخواهید با هم در مورد آنچه یاد گرفته اند فکر کنند.

متخصصان مراحل مشابهی را برای هدایت روش آموزش مسئله محور برای دانش آموزان (بازدید از مشکل، بررسی مجدد مشکل، تولید محصول یا عملکرد، و در نهایت ارزیابی عملکرد و مشکل) پیشنهاد می کنند. (Delisle, 1997). برای استفاده از روش آموزش مسئله محور در کلاس های ما، آموزگار می تواند برخی از مراحل اساسی را طراحی و اجرا کند که عبارتند از:

(الف) اول از همه، نتایج یادگیری را شناسایی کنید که می تواند با روش آموزش مسئله محور سازگار باشد. پس از آن، ارزیابی ها، بازتاب های یادگیری، ایجاد روبریک هایی که برای ارزیابی روش آموزش مسئله محور مهم هستند، می توانند توسط آموزگار ایجاد شوند.

(ب) طرح کلی یک مشکل واقعی را که از طریق طوفان فکری دانش آموزان پدیدار می شود، تهیه کنید. مشکل باید واقعی و مرتبط با دوره باشد. بسیار مهم است که مسائل مناسبی را طراحی کنیم که آنها را به تفکر، بحث، تحقیق و یادگیری برانگیزد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پ) دانش‌آموزان می‌توانند تحقیق خود را با یک مسئله "آسان" آغاز کنند و آموزگار می‌تواند انتظارات را معرفی کند. آموزگار می‌تواند جلساتی را در رابطه با مسئله ای که به آنها محول شده (دانش پیشینه) موضوعات تحقیق، یافتن داده‌ها و غیره ترتیب دهد. پس از آن دانش‌آموزان می‌توانند نقش‌ها و مسئولیت‌های خود را برای درک کامل مسئله تعیین کنند. ت) دانش‌آموزان می‌توانند منابع را برای توسعه تحقیقات، یافته‌ها، راه‌حل‌ها و یادگیری خود ارائه و ترکیب کنند. ث) آموزگار می‌تواند برای تعیین اینکه آیا دانش‌آموزان به طور معناداری مشارکت داشته‌اند یا خیر، روبریک‌هایی ایجاد کند. این نوع تحقیق می‌تواند برای مطالعه آینده آنها نیز بسیار مفید باشد.

محاسن و معایب برنامه درسی مسئله محور

برخی از منتقدان توانایی آموزگاران برای راه‌اندازی یک برنامه درسی مبتنی بر مشکل را زیر سؤال می‌برند. از یک سو، ممکن است برخی آموزگاران استفاده از کتاب‌های درسی یا مواد ضد آموزگار (و کتاب‌های درسی الکترونیکی، مانند مورد اخیر در هنگ کنگ) را امن‌تر و صحیح‌تر بدانند. از سوی دیگر، آنها ممکن است نگران باشند که محتوا و تمرکز طرح‌های مسئله محور با آنچه که در طول آموزش آموزگار آموخته‌اند، کاملاً متفاوت است. در هنگ کنگ، طراحی برنامه درسی مدارس در مدارس متوسطه، موسسات آموزش آموزگاران، و دانشگاه‌ها عمده‌تاً مبتنی بر موضوع و کتاب درسی است و فضای بسیار کمی برای آموزگاران برای اصلاح و طراحی رویکرد مبتنی بر مشکل باقی می‌گذارد. (Marsh, 1997). همچنین خاطرنشان می‌کند که روش مسئله محور در بین آموزگاران محبوب نیست. او معایب این رویکرد برنامه درسی را به شرح زیر خلاصه می‌کند:

الف) در مقایسه با سایر اشکال آموزشی، زمان کلاس و زمان خارج از مدرسه بسیار زیاد است.

ب) بسیاری از دانش‌آموزان رویکردهای یادگیری غیرفعال را ترجیح می‌دهند.

پ) اگر موضوعات بحث برانگیز در جوامع محلی بررسی شود، می‌تواند به موقعیت‌های شرم آور منجر شود.

ت) ارزیابی آن در مقایسه با آزمون‌های کلاسیک دشوار است.

علاوه بر این، برنامه درسی بازسازی اجتماعی (که هدف اصلی آن مشارکت دادن دانش‌آموزان در تحلیل انتقادی مسائل اجتماعی و سیاسی در جامعه محلی، ملی و بین‌المللی است) به دنبال آموزگاران با "آموزش عالی" است (Beane 1997). آموزگاران و توسعه‌دهندگان برنامه درسی باید آموزگاران باشند که معتقدند برنامه درسی مدرسه باید به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی رسیدگی کند. به عبارت دیگر، آنها خودشان باید مفهوم گرا باشند که هدفشان بازسازی جامعه است. این چشم‌انداز و مأموریت به نحوی ممکن است با موضع رسمی برخی جوامع سازگار نباشد. متخصصان آموزشی که طرفدار طراحی بازسازی گرا هستند باید سخت‌کوش کنند تا این نوع طراحی برنامه درسی را در مدارس اجرا کنند.

با این وجود، باید مراقب بود زیرا چنین رویکردی چالش برانگیز است و بیان آن آسان نیست. هنسون نتیجه می‌گیرد که برنامه درسی مسئله محور می‌تواند دانش‌آموزان را برای دستیابی به یادگیری عمیق با صرف زمان قابل توجهی روی موضوعات کمتر و با تشویق دانش‌آموزان به بررسی هر موضوع از دیدگاه‌های متعدد تسهیل کند. از این رو، دانش‌آموزان باید ذهن منضبط را پرورش دهند و آموزگاران باید بدانند چگونه ذهن‌های منضبط را پرورش دهند (باباخانی و همکاران، ۱۴۰۱).

بسیاری از مردم حل مسئله را یک ضرورت برای رویارویی با چالش‌های آینده می‌دانند. از این رو، روش آموزش مسئله‌محور هنوز یک طرح برنامه درسی ارزشمند است. روش آموزش مسئله‌محور مهارت‌های یادگیری فعال و مادام‌العمر را پرورش می‌دهد. یادگیری خودراهبر را برای رویارویی با دانش‌آموزان با مشکلات تقویت می‌کند و آنها را به سمت یادگیری عمیق تحریک می‌کند، این به معنای "تفصیل دانش در زمان یادگیری" است. یادگیری مشارکتی به آنها این امکان را می‌دهد که موقعیت‌های زندگی واقعی را مورد توجه قرار دهند، و برای دانش‌آموزانی که برای درک مفاهیم انتزاعی تلاش می‌کنند جذاب باشد. شرکت در گروه‌ها، کمک به دانش‌آموزانی که در طول کار انفرادی برتری ندارند، مطالب جدید را درک کنند. در مورد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ایده ها و چالش های احتمالی به شیوه ای سازنده بحث کنید. دانش آموزان به طور کامل درگیر جست و جو و جمع آوری داده ها برای یافتن راه حلی برای مشکلی هستند که به آنها اختصاص داده شده است.

به دلیل تعامل مداوم با دانش آموزان، رابطه آموزگار و دانش آموز بهبود می یابد. در کلاس درس مبتنی بر رویکرد مسئله محور آموزگار به شکل کلاسیک نیست، در اینجا او تسهیل کننده، راهنما و راهنما است. دانش آموزان احساس راحتی می کنند که با آموزگار صحبت کنند.

تنظیمات کلاس درس که در آن رویکرد غالب مسئله محور است، کاملاً متفاوت است، آنها ایده های خود را به صورت گروهی ارائه می کنند و در صورت نیاز آن را بازبینی می کنند. این به آنها کمک می کند تا تعامل و ارتباط موفقی ایجاد کنند.

بیشتر اوقات دانش آموزان با برنامه مسئله محور مشغول هستند تا بتوانند برای کسب نمرات خوب با مشکل مواجه شوند. برنامه درسی مسئله محور نیاز به مشارکت و مشارکت کامل دانش آموزان دارد، اما برای همه دانش آموزان می تواند همیشه دشوار باشد. گاهی اوقات ممکن است احساس بی تفاوتی کنند. مشارکت ممکن است به تأخیر بیفتد زیرا برخی از دانش آموزان برای درک مشکل نابالغ هستند. همچنین موارد دیگری به در این خصوص وجود دارد که عبارتند از:

الف) دانش آموزان نمی توانند ایده مسئله پایان باز را درک کنند.

ب) دانش آموزان ممکن است برای ایجاد و یافتن راه حل مسئله به دانش انتزاعی نیاز داشته باشند.

پ) برای نظارت بر فعالیت های روش آموزش مسئله محور، آموزگاران باید آموزش ببینند تا بتوانند بر روی مشکل تمرکز کنند. رویکرد مسئله محور به عنوان یک رویکرد سازنده در نظر گرفته می شود زیرا مولفه های اساسی بازخورد و تأمل در فرآیند یادگیری است. دانش آموزان به عنوان یک عامل فعال در ساخت دانش اجتماعی کار می کنند.

برنامه درسی و آموزش متمایز

توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان یک عنصر مهم از برنامه درسی دانش آموز محور است. پس از راه اندازی آموزش اجباری دوازده ساله، شناخت تنوع یادگیری در کلاس های امروزی ضروری است. عناصر کلیدی در این خصوص بدین صورت است که: برنامه درسی متمایز باید تنوع بیشتر و انتخاب های بیشتری را برای دانش آموزان فراهم کند تا متناسب با نیازها، علایق و توانایی های آنها باشد (پورتنقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).

تنوع در کلاس مستلزم انواع مختلفی از نیازهای یادگیری است. راه های مختلفی برای پاسخگویی به انواع مختلف دانش آموزان با نیازهای یادگیری ویژه از نظر رشد ذهنی و جسمی در دسترس است. بخش های بعدی بر معرفی اصل طراحی یک برنامه درسی متمایز و اتخاذ سبک های تدریس مختلف برای برآوردن نیازهای فردی در کلاس های با توانایی مختلط متمرکز است، جایی که برخی از دانش آموزان با سرعت کمتری یاد می گیرند، برخی درخشان تر و برخی دیگر موفق تر هستند.

تمایز به "مفهوم برآورده کردن نیازهای فردی هر دانش آموز، سفارشی کردن آموزش برای کمک به دانش آموزان برای یادگیری" اشاره دارد (فوگارتی و پیت ۲۰۰۵، ص ۳). آموزش متمایز شامل آموزش پاسخگو و فراهم کردن داربست برای یادگیری دانش آموزان است و ممکن است شامل گروه بندی های مشارکتی و ارزیابی های جایگزین باشد (Drapeau 2004).

وقتی آموزگاری آموزش را متمایز می کند، از این فرض عمل می کند که همه بچه ها با سرعت ها و روش های مختلف یاد می گیرند. زمینه اساسی برای آموزش متمایز، برنامه ریزی سیستماتیک یک برنامه درسی و سبک آموزشی است که با شناخت نیازهای یادگیری هر فرد و به حداکثر رساندن ظرفیت یادگیری او، نیازهای دانش آموزان متنوع را برآورده کند.

تنوع در کلاس درس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع تنوع دانش‌آموز در کلاس های درس با توانایی مختلط شامل توانایی های شناختی، سبک های یادگیری، عوامل اجتماعی-اقتصادی و خانوادگی، آمادگی، سرعت یادگیری، تاثیرات جنسیتی، تاثیرات فرهنگی یا قومیتی، چگونگی ارزش گذاری دانش‌آموزان برای یادگیری و اعتماد آنها به یادگیری است (Heacox 2002). تاملینسون طیفی از دانش‌آموز را مطرح می کند،

گروه‌هایی، از جمله دانش‌آموزان مبارز و پیشرفته، دانش‌آموزانی با میراث فرهنگی متنوع، کودکانی با پیشینه‌های مختلف، و دانش‌آموزانی با علایق، آمادگی و پروفایل‌های یادگیری متفاوت. برای پاسخگویی به چنین تنوعی، برخی از اصول و استراتژی‌ها در زیر پیشنهاد شده‌اند.

اصول و راهبردها

تمایز به معنای تأیید این است که دانش‌آموزان نیازهای یادگیری، نقاط قوت، سبک ها، علایق و ترجیحات متفاوتی دارند (Drapeau 2004) روش‌هایی را که مدارس برنامه‌های درسی خود را متمایز می‌کنند، از جمله رویکردهای رایج زیر خلاصه کرده است:

الف) اصلاح محتوا، فرآیند تفکر، و شکل محصول.

ب) امکان حرکت مواد از طریق شتاب.

پ) امکان مطالعه عمیق از طریق غنی سازی محتوا.

ت) ارائه انواع مواد آموزشی.

ث) ارائه فعالیت های بدون پایان.

ج) ترکیب انتخاب آموزگار و دانش‌آموز. و

چ) امکان گروه بندی انعطاف پذیر.

صرف نظر از روش هایی که مدارس یا آموزگاران استفاده می کنند، اصول اساسی وجود دارد:

الف) هنگام تمایز آموزش، حفظ تعهد به استانداردهای برنامه درسی و اهداف یادگیری همه دانش‌آموزان بسیار مهم است.

ب) تمایز متضمن تنوع فزاینده در تدریس، یادگیری و ارزشیابی برای دستیابی به دانش‌آموزان بیشتر و پاسخگویی به ترجیحات، سبک ها، علایق و نقاط قوت آنهاست.

پ) ارائه سطوح بالای چالش ها و مشارکت فعال در یادگیری دقیق، مرتبط و قابل توجه مهم است.

ت) اهمیت و ارزش کلیه آثار دانش‌آموزان باید تأیید شود.

ث) فرآیندهای منصفانه و منصفانه باید برای ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان و تخصیص نمرات ایجاد شود.

با در نظر گرفتن این اصول و استراتژی ها، آموزگاران می توانند شروع به طراحی یک برنامه درسی متمایز کنند. برای شروع، آنها باید سه عنصر برنامه درسی مربوط به مفهوم تمایز را در نظر داشته باشند: تغییر، چالش و انتخاب. تغییر به معنای اصلاح چیزی است که یادگیری را برای همه قابل دسترس تر کند. چالش یعنی به چالش کشیدن همه دانش‌آموزان در سطح درک خودشان. انتخاب به معنای اجازه دادن به دانش‌آموزان برای داشتن گزینه های واقعی در فرآیند تعلیم و تربیت است.

اول، برای پاسخ به تفاوت های فردی، آموزگاران باید تغییر چیزی اساسی را در نظر بگیرند. این ممکن است شامل محتوا، فرآیند یا محصول یادگیری کلاس درس باشد. محتوا بیانگر آن چیزی است که آموزگاران می خواهند دانش‌آموزان یاد بگیرند، مانند ایده ها و اطلاعات ضروری. فرآیند شامل فعالیت های یادگیری است که دانش‌آموزان از طریق آنها یاد می گیرند. محصول نتیجه است و نشان می دهد که دانش‌آموزان واقعاً یاد گرفته اند. برای اطمینان از اینکه همه دانش‌آموزان یاد می گیرند، آموزگاران ممکن است یک یا چند عنصر درسی را در هر نقطه از یک درس یا واحد، بر اساس ویژگی‌های متنوع کودکان درگیر، تطبیق داده و تغییر دهند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دومین عنصر درسی که باید تغییر کند، فرآیند تعلیم و تربیت است. آموزگاران باید درس‌ها را به روش‌هایی بی‌نظیر و جذاب برای دانش‌آموزان بسازند، دانش‌آموزانی که از نظر آمادگی، علاقه و مشخصات یادگیری متفاوت هستند. آموزگاران می‌توانند فرآیند را با انواع فعالیت‌ها تغییر دهند.

در نهایت، آموزگاران می‌توانند آموزش را با تغییر محصول متمایز کنند. این به معنای تغییر نقاط خروجی برای بیان یادگیری دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان در هنگام یادگیری تمایلات متفاوتی دارند و همچنین ممکن است ترجیحات متفاوتی برای بیان آن نشان دهند. آموزگاران باید به دانش‌آموزان اجازه دهند تا در صورت امکان، خودشان تعیین کنند که چگونه می‌توانند آنچه را که در مورد موضوعات خاص می‌دانند به بهترین شکل نشان دهند.

تسلط یادگیری

یک جایگزین مهم برای پاسخگویی به تفاوت‌های فردی در کلاس درس، مدل یادگیری تسلط است. این مدل «تمام دانش‌آموزان را فرا می‌خواند تا بر مجموعه‌ای از اهداف مشترک تسلط پیدا کنند، اما تفاوت‌های فردی در زمان یادگیری را امکان‌پذیر می‌کند» (Brophy, 2004). به طور کلاسیک، مردم توانایی را چیزی ثابت و تا حد زیادی از پیش تعیین شده می‌دانند. از این رو، آنها معتقدند که برخی از کودکان نسبت به سایرین توانایی بیشتری در یادگیری دارند. مدل ارائه شده توسط کارول استدلال می‌کند که تفاوت عمده بین دانش‌آموزان عامل "زمان" است. در حالی که برخی از دانش‌آموزان می‌توانند سریع‌تر به اهداف یادگیری تسلط پیدا کنند، برخی این کار را کندتر انجام می‌دهند (پورتقی کوهینه و همکاران، ۱۴۰۰). با توجه به زمان بیشتر، دانش‌آموزان کند در نهایت به تمام اهداف یادگیری تعیین شده در یک برنامه درسی تسلط خواهند داشت. کارول پیشنهاد می‌کند که درجه یادگیری مستقیماً با نسبت زمانی که واقعاً توسط دانش‌آموز صرف یک کار می‌شود، تقسیم بر زمان مورد نیاز دانش‌آموز برای تسلط بر خواسته‌های آن کار، متناسب باشد. اصول یادگیری تسلط بخش عمده‌ای از منطق رویکردهای برنامه درسی فعلی، مانند آموزش مبتنی بر نتیجه را تشکیل می‌دهد.

پیشنهادات کاربردی

۱. استفاده از روش‌های آموزش مسئله‌محور: در آموزش مسئله‌محور، آموزگاران می‌توانند از روش‌هایی مانند مطالعه موارد واقعی، حل مسئله‌های عملی و پروژه‌های گروهی استفاده کنند تا توانایی‌های روابط چندگانه دانش‌آموزان را تقویت کنند.
۲. تشویق به همکاری و تعامل: آموزگاران می‌توانند فرصت‌هایی را در کلاس درس ایجاد کنند تا دانش‌آموزان با یکدیگر همکاری کنند و در تعامل با یکدیگر قرار بگیرند. به آن‌ها اجازه دهید در گروه‌ها کار کنند، به اشتراک بگذارند و با هم بحث کنند.
۳. استفاده از فعالیت‌های گروهی: انجام فعالیت‌های گروهی مبتنی بر مسئله، مانند حل مسئله‌های گروهی، بازی‌های تعاملی و پروژه‌های تیمی، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های روابط چندگانه خود را تقویت کنند و به طور همزمان با یادگیری مفاهیم درسی، با همکاری و تعامل به نتایج بهتری برسند.
۴. توسعه مهارت‌های ارتباطی: درس‌هایی را که به توسعه مهارت‌های ارتباطی اختصاص داده شده است، به برنامه درسی اضافه کنید. این درس‌ها می‌توانند موضوعاتی مانند گفتگو، گوش دادن فعال و حل مسئله‌های ارتباطی را شامل شوند.
۵. ارزیابی چندگانه: برای ارزیابی توسعه روابط چندگانه دانش‌آموزان، از روش‌های متنوعی مانند نظرسنجی همکاری، مشاهده گروهی و پروژه‌های جمعی استفاده کنید. این روش‌ها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند تا توانایی همکاری و تعامل خود را بهبود ببخشند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۶. راهنمایی و توجه به دانش‌آموزان: آموزگاران می‌توانند با ارائه راهنمایی‌های لازم و توجه به نیازها و استعدادها دانش‌آموزان، به توسعه روابط چندگانه آن‌ها کمک کنند. به دانش‌آموزان فرصت دهید تا در محیطی پشتیبان‌کننده از خود بیانگر شوند و از تجربیات همدیگر بهره‌برداری کنند (پورتنقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).
۷. ایجاد محیط آموزشی دموکراتیک: ایجاد محیطی دموکراتیک در کلاس درس، که هر دانش‌آموز احساس می‌کند نظر و صدایش شنیده می‌شود، می‌تواند به توسعه روابط چندگانه کمک کند. به دانش‌آموزان اجازه دهید در امور کلاسی شرکت کنند، تصمیمات گروهی بگیرند و به اشتراک بگذارند.
۸. استفاده از انواع رسانه‌ها: استفاده از انواع رسانه‌ها مانند فیلم‌ها، تصاویر و نمودارها در فرایند آموزش مسئله‌محور، می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا توانایی‌های روابط چندگانه خود را تقویت کنند و از طریق بصری و شنیداری بهتر یاد بگیرند.
۹. همکاری با خانواده‌ها: برقراری ارتباط و همکاری مستمر با خانواده‌های دانش‌آموزان می‌تواند به توسعه روابط چندگانه کمک کند. برگزاری جلسات والدین، ارسال گزارش‌های پیشرفت دانش‌آموزان و همکاری در حل مشکلات و نیازهای آنان می‌تواند روابط بین خانواده و مدرسه را تقویت کند.
۱۰. تشویق به تعامل خلاق: تشویق دانش‌آموزان به تعامل خلاق و پیشنهاد ایده‌های نوآورانه در فرایند آموزش مسئله‌محور، به توسعه روابط چندگانه کمک می‌کند. به آن‌ها اجازه دهید ایده‌های خود را به اشتراک بگذارند و راهکارهای خلاقانه برای حل مسئله ارائه دهند.
۱۱. ارائه بازخورد سازنده: به دانش‌آموزان بازخورد سازنده درباره روابط چندگانه‌شان بدهید. تشویق آن‌ها به بهبود و تقویت مهارت‌های ارتباطی، همکاری و تعامل با همسالان و آموزگاران، اهمیت ارتباطات را در زندگی روزمره آن‌ها تأکید می‌کند.
۱۲. آموزش مهارت‌های اجتماعی: برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی، مانند مهارت‌های گفتگو، گوش دادن فعال، همکاری، قضاوت مثبت و حل تعارض، به توسعه روابط چندگانه در دانش‌آموزان کمک می‌کند (غلامی، ۱۴۰۲).
- با اعمال این پیشنهادات کاربردی، می‌توان بهبود روابط چندگانه و توسعه مهارت‌های ارتباطی در دانش‌آموزان در آموزش مسئله‌محور در کلاس درس در دوره تحصیلی ابتدایی را تسهیل کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش مسئله‌محور، روشی اثربخش برای ارتقای رشد اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی است. این روش، با قرار دادن دانش‌آموزان در مرکز فرایند یادگیری و تشویق آن‌ها به حل مسائل واقعی، به آن‌ها کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی، حل مسئله و تفکر انتقادی خود را ارتقا دهند. بنابراین، به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی دوره ابتدایی پیشنهاد می‌شود که از آموزش مسئله‌محور به عنوان روشی اثربخش برای ارتقای رشد اجتماعی دانش‌آموزان استفاده کنند (باباخانی و همکاران، ۱۴۰۱).

نقش همکاری و تعامل در آموزش مسئله‌محور در دانش‌آموزان بسیار حائز اهمیت است. این روش آموزشی با ایجاد فضایی برای همکاری و تعامل بین دانش‌آموزان، آن‌ها را به عنوان یک گروه در حل مسائل و پروژه‌ها مشغول می‌کند. این تعاملات گروهی، به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا از تجربه و دیدگاه همدیگر بهره ببرند و نتایج بهتری در یادگیری خود بدست آورند. یکی از مزایای اصلی همکاری و تعامل در آموزش مسئله‌محور، افزایش مشارکت و مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس است. آن‌ها به طور فعال‌تر در فرایند یادگیری شرکت می‌کنند و با استفاده از تعامل و همکاری با دیگران، به راه‌حل‌ها و نتایج بهتری می‌رسند. همچنین، تعامل و همکاری باعث تقویت مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان می‌شود. آن‌ها در این روند نیاز به گوش دادن به دیگران، بیان دیدگاه‌های خود و رسیدن به توافق با همکلاسی‌هایشان را پیدا می‌کنند (پورتنقی کوهبنه و همکاران، ۱۴۰۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با توجه به جنبه‌های تفکر انتقادی و حل مسئله در آموزش مسئله‌محور، همکاری و تعامل نقش بسیار مهمی دارد. دانش‌آموزان با مواجهه با مسائل واقعی و چالش‌برانگیز، مجبور به تفکر انتقادی و حل مسئله می‌شوند. آنها باید استدلال کنند، منطق را به کار ببرند و راه‌حل‌های خلاقانه برای حل مسئله پیدا کنند. همکاری و تعامل بین دانش‌آموزان در آموزش مسئله‌محور نقش کلیدی در بهبود فرایند تعلیم و تربیت دارد. این روش آموزشی با ایجاد فضای همکاری و تعامل، مشارکت فعال دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد و مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی آنها را تقویت می‌کند. با استفاده از تعامل و همکاری، دانش‌آموزان از تجربه و دیدگاه همدیگر بهره می‌برند

منابع

۱. باباخانی، زینب و سلیمانی، رویا و شرفی، مریم، ۱۴۰۱، الگوهای آموزشی مبتنی بر وسایل آموزشی کارآمد در تدریس و نقش آن‌ها بر افزایش توانایی حل مسئله در دانش‌آموزان، پنجمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
۲. پورتنقی کوهبهنه، بهاره و تقی‌پور، آمنه و کشاورز، الهه، ۱۴۰۰، یادگیری مسئله‌محور علوم پایه و آموزش مجازی در وضعیت کرونایی، نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران
۳. سمیع‌زاده مشهدی، سمیرا، ۱۴۰۲، بررسی روش‌های تدریس مسئله‌محور و روش تدریس بحث گروهی و تاثیر این روش‌ها بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، نوزدهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم اجتماعی و تربیتی، بابل.
۴. غلامی، زهرا، ۱۴۰۲، مروری جامع بر کاربردی تدریس مبتنی بر مسئله در آموزش ابتدایی، یازدهمین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در تعلیم و تربیت، روانشناسی، فقه و حقوق و علوم اجتماعی، شیروان.
5. Barell, J. (1998). PBL: An Inquiry Approach. Arlington Heights, IL. SkyLight Training and Publishing.
6. Brophy, J. (2006). Observational Research on Generic Aspects of Classroom Teaching.
7. Beane, J. A. (1997). Curriculum integration: Designing the core of democratic education. Teachers College Press.
8. Delisle, R. (1997). How to use problem-based learning in the classroom. Ascd.
9. Drapeau, P. (2004). Differentiated instruction: Making it work: A practical guide to planning, managing, and implementing differentiated instruction to meet the needs of all learners. Scholastic.
10. Fogarty, R. J., & Pete, B. M. (2007). How to differentiate learning: Curriculum, instruction, assessment. Corwin Press.
11. Heacox, D. (2002). Differentiating instruction in the regular classroom: How to reach and teach all learners, grades 3-12. Minneapolis, MN: Free Spirit. McHugh, MW (2007). Differentiating Instruction in the Regular Classroom: How to Reach and Teach. Journal for the Education of the Gifted.
12. Larsen-Freeman, D., & Anderson, M. (2013). Techniques and principles in language teaching 3rd edition-Oxford handbooks for language teachers. Oxford university press.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

13. Lesch, L. (2007). How to Prepare Students for the Information Age and Global Marketplace: Creative Learning in Action. Rowman & Littlefield Education.
14. Marsh, C. J. (1997). Planning, Management and Ideology, Key Concepts for Understanding Curriculum 2, London, and Washington D.
15. Torp, L., & Sage, S. (1998). Problems as possibilities: Problem-based learning for K-12 education. Ascd.